

گفتگوی اختصاصی اکتشاف و تولید با دکتر فریدون فشارکی: منابع غیر متعارف، قواعد بازی نفت را تغییر داده است

تهیه و تنظیم: عبدالله یونس آرا ■ شرکت ملی گاز ایران

سبک، تولید از آنها بسیار مقرون به صرفه بوده و اساساً دیگر قیمت گاز چندان مطرح نیست؛ چراکه مایعات نفتی و میعانات تولیدی ارزشی به مراتب بیش از گاز طبیعی دارند. بنابراین می توان گفت گاز برای تولید کنندگان مجانی محسوب می شود. همان طور که در توسعه ی فازهای مختلف پارس جنوبی باید گاز طبیعی را یک فرآورده ی جانبی دانست؛ چراکه محصول اصلی تولیدی از این میدان، میعانات گازی است که ارزش بسیار بیشتری دارد. توسعه ی تولید از ذخایر شیل های گازی سبب شده بر اساس پیش بینی ها تا پایان سال جاری تولید گاز طبیعی ایالات متحده از روسیه هم فراتر برود و با در نظر گرفتن اینکه برنامه های صادرات LNG و صادرات گاز به مکزیک نیز هم اکنون در جریان است ایالات متحده در جمع سه کشور صادر کننده ی بزرگ LNG دنیا قرار خواهد گرفت. در حال حاضر قطر و استرالیا دو صادر کننده ی بزرگ LNG در جهان هستند که تا سال ۲۰۱۷ استرالیا از قطر

مدیرعامل مؤسسه FACT Global Energy را می خوانید.

اکتشاف و تولید: مهم ترین تحولات ساختاری سال های اخیر در بازارهای جهانی انرژی به خصوص نفت و گاز را چگونه ارزیابی می کنید؟

بدون شک مهم ترین تحول اتفاقاتی است که در سال های اخیر در ایالات متحده روی داده و این کشور را از یک کشور نیازمند به واردات نفت و گاز به یک کشور غنی تبدیل کرده است. این تحولات را می توان به چند قسمت مختلف تقسیم کرد. نخست انقلاب شیل های گازی که منبع آن فراوانی این ذخایر در آمریکاست که وجود آن از سال ها پیش محرز شده بود. اما اتفاق جدید آن است که هزینه ی تولید شیل های گازی از ۱۰ به حدود ۳-۵ دلار در هر میلیون بی تی یو سقوط کرده است. از سوی دیگر به دلیل وجود مقادیر زیاد مایعات شبیه به نفت در این ذخایر شامل میعانات گازی و نفت

دکتر فریدون فشارکی یکی از کارشناسان ارشد بازارهای جهانی انرژی به ویژه نفت و گاز است که طی سال های اخیر در قالب مؤسسه ی تحت مدیریت خود با دفاتری در سنگاپور، لندن و هوستون به بررسی مهم ترین تحولات بازارهای جهانی نفت و گاز پرداخته است. وی همچنین ارائه ی مشاوره به برخی از شرکت های بزرگ نفت و گاز و نیز شرکت های دولتی نفتی در منطقه ی خاورمیانه را در کارنامه ی خود دارد. دکتر فشارکی از طرفداران دیدگاهی است که بهره برداری از منابع هیدروکربنی غیر متعارف نفت و گاز به ویژه شیل های گازی در منطقه ی آمریکای شمالی را منشأ تحولاتی گسترده در سازوکارهای سنتی بازارهای نفت می داند. به اعتقاد وی حضور موفق ایران در بازارهای جهانی نفت، نیازمند نگاهی دقیق به تحولاتی است که مناسبات امروز این بازار را شکل می دهد.

در ادامه مشروح گفتگوی ماهنامه ی اکتشاف و تولید نفت و گاز با دکتر فریدون فشارکی



پیشی خواهد گرفت. ورود ایالات متحده به جمع سه صادرکننده‌ی نخست LNG با در نظر گرفتن این واقعیت که آمریکا تا چند سال قبل یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان LNG بود نکته‌ی مهمی محسوب می‌شود. ضمن اینکه برآوردها نیز نشان می‌داد که با ادامه‌ی آن روند، ایالات متحده به نخستین یا دومین واردکننده‌ی بزرگ LNG تبدیل خواهد شد. اماروند کنونی کاملاً معکوس شده و همه‌ی این اتفاقات طی یک دوره‌ی زمانی پنج ساله رخ داده که به‌همین دلیل این پدیده را انقلاب شیل‌های گازی گویند.

اتفاق جانبی دیگر آنکه این کشور تا پایان سال جاری به بزرگ‌ترین صادرکننده‌ی LPG (پروپان و بوتان) تبدیل می‌شود. در حال حاضر قطر بزرگ‌ترین صادرکننده‌ی این فرآورده است و امارات متحده‌ی عربی و عربستان رتبه‌های دوم و سوم را در اختیار دارند و ایران با فاصله‌ی زیادی در رتبه‌ی چهارم قرار دارد. اما به‌زودی ایالات متحده رتبه‌ی نخست صادرات LPG را به خود اختصاص خواهد داد و با ادامه‌ی این روند تا سه سال آینده، ایالات متحده رقمی بیش از صادرکنندگان دوم و سوم را خواهد داشت. نکته‌ی جالب اینکه قیمت‌گذاری پروپان و بوتان در این کشور تحت تأثیر قیمت‌های داخلی است و در حال حاضر محموله‌های ایالات متحده وقتی به بازار شرق (مثلاً ژاپن) می‌رسد ۳۰ درصد از قیمت‌های فعلی محموله‌های وارداتی این کشور ارزان‌تر است. این امر سبب بروز تصادفات شدید قیمتی در بازار شده و به‌طور قطع قیمت LPG که هم‌اکنون عمدتاً توسط عربستان تعیین می‌شود باید کاهش یابد تا به قیمت LPG وارداتی از آمریکا برسد؛ چراکه با مقدار تولید ایالات متحده غیرممکن است که قیمت LPG این کشور تا حد قیمت عربستان افزایش یابد.

سومین واقعیت و تحول ساختاری در بازار طی سال‌های اخیر این است که ایالات متحده

به بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی میعانات دنیا تبدیل شده است. تولید میعانات این کشور در حال حاضر ۱/۳-۱/۲ میلیون بشکه در روز است. به‌غیر از آمریکا، در تولید میعانات در دنیا قطر اول، ایران دوم و استرالیا سوم هستند اما در حال حاضر تولید میعانات ایالات متحده بیش از مجموع تولید ایران و قطر است. البته به‌دلیل قانون ممنوعیت صادرات نفت خام در این کشور، میعانات آمریکا نیز که از انواع نفت خام محسوب می‌شود فعلاً صادر نمی‌شود. هرچند لغو این ممنوعیت در دست بررسی بوده و ممکن است به‌زودی امکان صادرات میعانات نیز فراهم شود.

واقعیت چهارم در این بخش نیز مربوط به ایالات متحده و ناشی از آزادی صادرات فرآورده‌های نفتی است. آمریکا در حال حاضر به بزرگ‌ترین صادرکننده‌ی فرآورده‌های نفتی دنیا تبدیل شده و این اتفاق در سال جاری رخ داده است. در حوزه‌ی تولید میعانات و نفت سبک و متعاقب انقلاب شیل‌های گازی، تولیدات جدید ایالات متحده در حال حاضر رقمی معادل ۲/۵ میلیون بشکه در روز است که این رقم تا سال ۲۰۱۷ به ۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و احتمالاً در همین مقدار نیز متوقف خواهد شد. اما به‌هر حال این رقم از تولیدات کشورهایی مثل ایران و عراق بیشتر است. در عین حال آمریکا با باز کردن درهای خود روی سرمایه‌گذاران حوزه‌ی پتروشیمی، در این بخش نیز تحولی عظیم را تجربه کرده است. طی سال‌های اخیر شاهد هجوم سرمایه‌گذارانی هستیم که با استفاده از خوراک اتان در فرآیندهای شکست اتان، به تولید محصولات پایه‌ی پتروشیمی پرداخته‌اند. در حال حاضر این خوراک در ایالات متحده بسیار ارزان است (۴ دلار به‌ازای هر میلیون بی‌تی‌یو) که با افزایش تقاضا حداکثر به ۷ دلار به‌ازای هر میلیون بی‌تی‌یو خواهد رسید. این رقم در مقایسه با قیمت ۱۵ دلار به‌ازای هر میلیون بی‌تی‌یو در ژاپن، تفاوت بسیار محسوسی

دارد. همچنین ایالات متحده صادرات اتان را آغاز کرده که در این حوزه صادرکننده‌ی عمده‌ی دیگری وجود ندارد. البته ایالات متحده مدت‌ها صادرکننده‌ی ذغال‌سنگ بوده است. هرچند به‌دلیل وجود گاز ارزان و توجه‌ناپذیر شدن مصرف ذغال‌سنگ، آمریکا پس از استرالیا و چین به سومین صادرکننده‌ی بزرگ ذغال‌سنگ تبدیل شده است. عوامل بالا را می‌توان مهم‌ترین تحولات ساختاری در بازار انرژی و در مورد کشوری دانست که عنوان بزرگ‌ترین واردکننده‌ی نفت و گاز را به خود اختصاص داده بود و در حال حاضر در سوی دیگر بازار به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان تبدیل شده است.

اكتشاف و تولید: در اروپا طی سال‌های اخیر شاهد چه تحولاتی بوده‌ایم؟

اروپا به‌دلیل زیاد بودن مالیات بر مصرف فرآورده‌های نفتی، شاهد اتفاقات این‌چنینی نبوده است. در اروپا ۸۰ درصد قیمت بنزین را مالیات تشکیل می‌دهد؛ این در حالی است که این رقم در آمریکا کمتر از ۱۰ درصد است. بنابراین در اروپا، افزایش قیمت نفت تأثیر چندانی بر قیمت فرآورده‌ها نخواهد داشت؛ چراکه سهم مالیات آنقدر قابل ملاحظه است که مانع از بروز اثرات افزایش قیمت می‌شود. این در حالی است که در آمریکا حتی با یک نوسان کوچک در قیمت نفت، شاهد تغییرات محسوس قیمت در پمپ‌بنزین‌ها هستیم. بنابراین در اروپا تقاضای نفت و فرآورده‌های نفتی روندی کاهنده را تجربه می‌کند و حتی امکان توقف روند سقوطی و ثبات روند مصرف نیز وجود ندارد. در سال‌های گذشته در ژاپن، کره‌ی جنوبی، استرالیا، نیوزلند و سایر کشورهای صنعتی نیز همچنان روند سقوط تقاضا ادامه داشته و این روند کم‌وبیش در آینده نیز ادامه خواهد داشت. اما در ایالات متحده، در حال حاضر تقاضای نفت باثبات است؛ چراکه رشد اقتصادی ناشی از انقلاب

شیل‌های گازی بر آینده‌ی اقتصاد آمریکا تأثیر گذار بوده است.

اکتشاف و تولید: ملاحظات زیست‌محیطی در تولید نفت و گازهای غیرمتعارف در ایالات متحده چه جایگاهی دارد؟

بنده کم‌وبیش با بحث‌هایی در خصوص اثرات محدودکننده‌ی ملاحظات زیست‌محیطی بر تولید نفت و گازهای غیرمتعارف آمریکا مواجه شده‌ام. اما واقعیت این است که دوره‌ی چنین مباحثی گذشته و تولید از این منابع آنقدر برای اقتصاد منطقه‌ی آمریکای شمالی مهم است که هیچ عامل بازدارنده‌ای نمی‌تواند آنرا متوقف کند. حدود ۴-۲ میلیون فرصت شغلی در ایالات متحده، چندین تریلیون دلار در آمد، آینده‌ی روشن اقتصادی آمریکا از این حیث و مزیت‌های قابل توجهی که اقتصاد آمریکا از این نظر در مقایسه با سایر اقتصادهای بزرگ و صنعتی مثل ژاپن، اروپا و چین دریافت می‌کند سبب شده که با هیچ دلیل و ملاحظه‌ای نتوان رشد روزافزون تولید گاز از این منابع را متوقف کرد.

اکتشاف و تولید: شرایط چین و هند و تأثیرگذاری آنها بر بازارهای جهانی انرژی در سال‌های اخیر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جالب است که بدانید چین بزرگ‌ترین ذخایر گازهای شیلی اثبات شده‌ی دنیا (نه ذخایر احتمالی و بالقوه) را در اختیار دارد. اما این کشور امکان تولید از این منابع را ندارد؛ چراکه برای این منظور نیاز به زیربنا، خطلوله و سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای دارد. نکته‌ی دیگر آن است که منابع گازهای شیلی ایالات متحده عمدتاً در بیابان‌ها، کوه‌ها و دره‌ها متمرکز شده که عملاً خالی از سکنه هستند و امکان استقرار تأسیسات و تجهیزات استخراج و تولید گاز در آنها وجود دارد. اما در چین بخش مهمی از این ذخایر، در زمین‌های کشاورزی در دست کشت متمرکز شده که

انجام عملیات اکتشاف و تولید این ذخایر سبب بروز اختلال و توقف در روند زندگی اقتصادی مردم منطقه می‌شود. تولید از منابع گازهای شیلی موجب ایجاد زلزله‌های خفیفی در این مناطق می‌شود که انسان‌ها آنرا حس نمی‌کنند اما برای حیوانات قابل حس است و موجب وحشت و اختلال در روند عادی تولید آنها مثل شیردهی، جفت‌گیری و... می‌شود. در هر منطقه‌ای از چین که مبادرت به تولید از منابع گازهای شیلی شده اعتراضات گسترده‌ی محلی را به دنبال داشته است. در اروپا هم از ابتدا بنا بر ملاحظات زیست‌محیطی انجام تولید از این منابع با ممانعت روبرو شده است. فرانسه تولید از منابع گازهای شیلی را غیرقانونی اعلام کرده است. در انگلستان مجموعه قوانین و مقرراتی در دست تدوین است تا امکان ورود و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در این حوزه فراهم شود. اما چون منابع گازهای شیلی انگلستان و چین فاقد میعانات هستند توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید از این منابع به شدت کاهش می‌یابد.

طی سال‌های گذشته تقاضای نفت در چین سالانه ۵۰۰-۴۰۰ هزار بشکه در روز رشد کرده اما امسال میزان رشد آن به حدود ۲۵۰-۲۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.

اکتشاف و تولید: آیا رشد اقتصادی چین هم کاهش یافته است؟

بله، البته رشد اقتصادی از نظر درصد کاهش یافته است. اما با این حال از لحاظ حجم، رقم بسیار زیادی محسوب می‌شود و از حدود ۱۰ درصد به حدود ۷/۵ درصد رسیده که این رقم در مقیاس اقتصاد چین بسیار زیاد است. ضمن اینکه دولت این کشور هم اقدامات متعددی برای محدود کردن تقاضای فرآورده‌های نفتی انجام داده و تلاش کرده رشد تقاضای فرآورده‌های نفتی را به نصف متوسط سالانه برساند. نتایج این تحولات آن است که امکان دارد

در میان‌مدت اتکا به نفت تولیدکنندگان سنتی، رشدی شبیه به سال‌های گذشته را نداشته باشد. در این میان تحولات ژئوپلیتیک مانند اعمال تحریم بر ایران و تداوم ناآرامی‌های لیبی سبب شده حدود ۲/۵ میلیون بشکه نفتی که باید در بازار تزریق می‌شد حذف گردد و در نتیجه قیمت نفت هنوز بالاست. شاید طی روزهای گذشته نیز حمله گروه داعش به عراق از دیدگاه فیزیکی حدود ۳۰۰-۲۰۰ هزار بشکه از تولید را کاسته باشد که خود این رقم به راحتی توسط عربستان قابل جبران است اما اثرات روانی آن بر بازار موجب افزایش ۶ دلاری قیمت نفت شده است. دامنه‌ی اثرگذاری مسائل روانی نیز محدود بوده و به سرعت کمرنگ می‌شود. مسائل ژئوپلیتیک قابل پیش‌بینی نیستند و متخصصان معمولاً برای ارائه‌ی چشم‌اندازی از تحولات بازار، عرضه و تقاضا و قیمت‌های تابع آن را در بازار رصد می‌کنند. اما اینکه مثلاً فردا در نیجریه چه اقدامی توسط شورشیان موجب بروز اختلال در تولید نفت این کشور می‌شود قابل پیش‌بینی نیست. ممکن است با ورود کامل ایران و ونزوئلا به بازار، قیمت‌ها افت قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. در نهایت آنچه به آن اطمینان داریم این مطلب است که امروزه برای نخستین بار در بازار نفت قیمت‌ها سقف و کف دارند. بررسی‌ها و رخدادهای سال‌های اخیر نشان داده که سقف قیمت حدود ۱۲۰ دلار در هر بشکه و کف آن معادل ۸۰ دلار در هر بشکه است. قیمت نمی‌تواند از ۸۰ دلار پایین‌تر بیاید زیرا در این صورت تولید نفت از منابع غیرمتعارف سقوط می‌کند و در صورت فراتر رفتن قیمت از ۱۲۰ دلار هم شرایط اقتصاد جهانی به گونه‌ای دچار اختلال خواهد شد که تولیدکننده‌ی بزرگی مثل عربستان با افزایش تولید خود مانع از افزایش قیمت خواهد شد. در این دامنه ۱۲۰-۸۰ دلاری، نوسانات، ناشی از رویدادهای بازار و جانب عرضه و تقاضاست و خارج از این دامنه، عوامل خارج از بازار مثل استفاده از نیروهای نظامی تلاش خواهند کرد



قیمت به بازه‌ی موردنظر بازگردد.

نقش عربستان در حفظ ثبات بازار در سال‌های اخیر در محدوده‌ی تولید ۹-۱۰ میلیون بشکه در روز بوده و این کشور سعی کرده نوسانات عرضه و تقاضا در این بازه را با واکنش مناسب در تولید مدیریت کند. اما با بازگشت ایران و لیبی که حداقل ۲/۵ میلیون بشکه نفت جدید را به بازار عرضه خواهند کرد عربستان به همین میزان تولید خود را کاهش نخواهد داد و به این ترتیب مقداری کاهش قیمت در بازار قطعی خواهد بود. با بروز اختلال در صادرات نفت لیبی با وجودی که برخی از تولیدکنندگان نفت حاشیه‌ی خلیج فارس مثل امارات و کویت مقداری تولید نفت خود را افزایش دادند اما بخش مهم جبران نفت حذف شده از بازار توسط عربستان صورت گرفت. مثلاً کشوری مانند قطر اساساً امکان افزایش تولید ندارد. همین‌طور همه‌ی سهم نفت حذف شده‌ی ایران از بازار هم‌اکنون توسط عربستان گرفته شده است. ضمن اینکه سهم عراق قبل از حمله‌ی نظامی آمریکا را نیز عربستان از آن خود کرده و این کشور همچنان امکان افزایش تولید تا حدود ۱۲/۵ میلیون بشکه در روز را نیز دارد. در حال حاضر سطح قیمت‌ها در بازار قابل قبول است و مشکلی برای تولیدکنندگان ایجاد نشده اما پیش‌بینی می‌شود که مشکل به‌زودی و با ورود یکی از این تولیدکنندگان به بازار رخ خواهد داد.

اكتشاف وتوليد: اثرات توليد از منابع غيرمتعارف در آمريكای شمالی بر بازارهای نفت و گاز در بلندمدت چه خواهد بود؟

می‌دانیم که تولید نفت غیرمتعارف (شامل میعانات و نفت سبک) تا ۴ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. برخی منابع این رقم را تا ۵ میلیون بشکه نیز برآورد کرده‌اند؛ این در حالی است که عده‌ای معتقدند میزان تولید این منابع از ۳ میلیون بشکه فراتر نخواهد رفت. رقم ۴ میلیون بشکه بر اساس پیش‌بینی در سال‌های

۲۰۱۷-۲۰۱۸ تحقق خواهد یافت و به این ترتیب تا ۲۰۱۷ تولید نفت خام ایالات متحده از عربستان هم فراتر خواهد رفت. با این تفاوت که آمریکا همچنان واردکننده و عربستان همچنان صادرکننده است. نکته‌ی مهم دیگر این است که به دلیل زیاد بودن هزینه‌های تولید از منابع غیرمتعارف، برای نخستین بار یک کف قیمت در بازار ایجاد شده که این رخداد هیچ‌گاه در بازار نفت اتفاق نیافتاده بود. مزیت کف قیمت این است که این اجازه را به همه‌ی سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان می‌دهد که بدون وحشت از احتمال افت و سقوط قیمت‌ها، مبادرت به سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های تولیدی کنند. بسیاری از تولیدکنندگان کوچک نفت طی دهه‌های گذشته به دلیل افت ناگهانی قیمت در بازار، سرمایه خود را از دست داده و ورشکست شده‌اند. اما شرایط فعلی، کفی را ایجاد کرده که تضمین‌کننده‌ی سودآوری با درجات مختلف برای همه‌ی تولیدکنندگانی است که می‌توانند با این کف قیمت، تولید داشته باشند.

اكتشاف وتوليد: شرایط فعلی بازار جهانی نفت را برای ورود ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

واقعیت این است که برای جلوگیری از کاهش قابل توجه قیمت‌ها، عرضه‌کنندگان فعلی باید بخشی از تولید خود را کاهش دهند.

اكتشاف وتوليد: مواضع وزیر نفت که اعلام کرده به هر قیمتی (حتی کاهش احتمالی قیمت‌ها) ایران به بازار بازگشته و جایگاه خود را احیا خواهد کرد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به عقیده‌ی بنده از دیدگاه استراتژیک این موضع درستی است. چرا که اگر چنین موضعی اتخاذ و اجرا نشود برای همیشه بازار را از دست خواهیم داد. زیرا تولید نفت برای کشورهای عضو اوپک از دو جنبه اهمیت دارد؛ نخست بحث در آمد حاصل از صادرات و دوم جایگاه و اهمیتی که کشورها در دنیا در اثر تولید نفت

به دست می‌آورند. بنابراین ایران برای حفظ اعتبار جهانی خود باید تولید نفت را افزایش دهد. حتی وقتی رقم بیش از ۵ میلیون بشکه را اعلام می‌کند مفهوم ضمنی آن این است که دست کم سایر اعضای اوپک باید خود را برای تولید ۳/۸-۳/۵ میلیون بشکه نفت توسط ایران آماده کنند. در واقع ایران با اعلام این موضع به رقبای خود اعلام می‌کند که خروجش از بازار طی سال‌های گذشته موقتی بوده و به شدت خواهان بازیابی جایگاه خود است و همه‌ی کشورها باید خود را برای پذیرش این واقعیت آماده کنند. همچنان که عراق هم تلاش زیادی کرده تا بتواند بعد از سال‌ها جایگاه سابق خود را در بازار نفت احیا کند. واقعیت این است که بازگشت تولید و صادرات ایران به سطح قبل از تحریم، قطعاً با افت قیمت برای همه‌ی تولیدکنندگان همراه خواهد بود و به‌ناچار اعضای اوپک باید با نشست‌های مشترک وضعیت را ارزیابی کرده و مواضع ایران و خواسته‌اش را برای بازیابی سهم خود از بازار بررسی کنند و به رسمیت بشناسند. واقعیت این است که اعضای اوپک بدون افت قیمت، حاضر نیستند نشستی داشته باشند و شرایط یکدیگر را بررسی کنند.

اكتشاف وتوليد: ارقامی که در مورد تولید آتی نفت عراق به میزان ۱۲ میلیون بشکه در روز اعلام می‌شود تا چه حد مبتنی بر واقعیت و قابل تحقق است؟

ارقام درست است و از نظر ذخایر، ظرفیت لازم برای تحقق این رقم وجود دارد اما در عمل عراق به این ارقام نخواهد رسید. قراردادهایی که عراق در حال حاضر با شرکت‌های بزرگ نفتی مثل بی‌پی، شل، لوک‌اویل، پتروناس و... برای توسعه‌ی ظرفیت تولید خود در خارج از اقلیم کردستان امضا کرده به رقمی حدود ۱۱ میلیون بشکه در روز می‌رسد؛ اما تولید با صادرات متفاوت است. عراق مازاد تولید خود را یا باید از طریق ترکیه انتقال دهد که در حال

حاضر خطوط لوله‌ی آن منطقه در اختیار کردها (و در این اواخر گروه داعش) قرار دارد یا باید آن را از مسیر جنوب و از سمت بصره منتقل کند که این مسیر نیز ظرفیت محدودی برای صادرات دارد. ظرفیت SPMها برای انتقال نفت یافن آوری‌های امروز حدود ۹۰۰ هزار بشکه در روز است که گفته می‌شود امکان ساخت چهار یا حداکثر پنج SPM وجود دارد. با در نظر گرفتن چهار SPM، در مجموع ۳/۶ میلیون بشکه ظرفیت صادرات جدید ایجاد خواهد شد و ۲/۲ میلیون بشکه ظرفیت هم در بصره وجود دارد که حداکثر ظرفیت عملیاتی آنها نیز ۹۰ درصد است. با لحاظ کردن این رقم، ظرفیت صادرات حداکثر ۵ میلیون بشکه در روز است و بیشتر از این رقم نمی‌توان از مسیر جنوب عراق نفت صادر کرد. دیگر گزینه‌ی موجود برای صادرات سوآپ نفت با ایران است که آن هم بستگی به ظرفیت پالایشگاه آبادان دارد. برای آن مسیر هم می‌توان حداکثر ۳۰۰ هزار بشکه در روز در نظر گرفت؛ ضمن اینکه پالایشگاه آبادان به دلیل قدیمی بودن با محدودیت ظرفیت روبرو است. در خصوص سایر مسیرها نیز باید احداث خطوط لوله‌ی جدید از ترکیه، سوریه یا اردن (بندر عقبه) مدنظر قرار گیرد که با توجه به شرایط فعلی امکان تحقق هریک از این گزینه‌ها در کوتاه‌مدت و میان‌مدت متصور نیست. مسیر دیگری نیز برای انتقال از طریق عربستان وجود داشته؛ در گذشته عراق از طریق خطوط لوله‌ای موسوم به IPSA بخشی از نفت صادراتی خود را از خاک عربستان به دریای احمر صادر می‌کرده است. در حال حاضر این خط در اختیار عربستان قرار دارد و غیرممکن است اجازه‌ی صادرات نفت عراق از آن مسیر را بدهد. از این رو در آینده‌ی بلندمدت، صادرات نفت عراق تا ۶-۵ میلیون بشکه در روز محدود باقی خواهد ماند. ترکیه نیز تمایلی به دریافت نفت از عراق و صادرات نفت این کشور ندارد. چراکه در حال حاضر نفت ارزان‌قیمت کردستان را دریافت و صادر می‌کند. در این

زمینه اتفاقات اخیر هم بیشتر به کردستان کمک کرده و ترکیه نیز بیشتر تمایل دارد اتکای خود را از عراق به کردستان منتقل کند.

اکتشاف و تولید: جایگاه ایران را در میان مدت و بلندمدت در بازارهای جهانی انرژی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در زمینه‌ی تولید نفت اعتقاد دارم که جایگاه میان‌مدت و بلندمدت ایران تفاوت عمده‌ای با وضعیت سال‌های قبل از تحریم نخواهد داشت. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که امکان افزایش ظرفیت تولید به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز از حوزه‌ی غرب کارون وجود دارد که باید دید در عمل چه مقداری از این میزان محقق خواهد شد. در عین حال بنده معتقدم ایران کشوری گازخیز است و ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای تولید گاز در کشور وجود دارد که می‌توان در زمینه‌ی صادرات و تجارت گاز در میان‌مدت و بلندمدت، جایگاهی متفاوت با شرایط فعلی را برای کشور تصور کرد.

اکتشاف و تولید: چالش‌های موجود برای بازگشت ایران به بازارهای جهانی نفت عمدتاً شامل چه مواردی است؟

نکته‌ی اصلی آن است که ایران رقیبی عمده در بازار جهانی نفت پیدا کرده و بنده معتقدم برخلاف تصور عمومی، این رقیب، عراق نیست بلکه ایالات متحده است. بر اساس چارچوب‌های فعلی قراردادی، شرکت‌های سرمایه‌گذار در توسعه‌ی منابع و مخازن نفت و گاز مالک نفت و فرآورده‌های تولیدی نیستند و تنها می‌توانند قرارداد خدمات امضا کنند. البته با تغییر در قوانین و مقررات از این بابت هم اطمینان نسبی وجود ندارد. در حالی که در ایالات متحده سرمایه‌گذاران در توسعه‌ی منابع و مخازن نفت و گاز می‌توانند محصولات تولیدی را جزء دارایی‌های خود منظور کنند. همین مزیت، امتیاز بسیار بزرگی برای سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود؛ چراکه

موجب افزایش ارزش سهام آنان در بازارهای جهانی خواهد شد. این بدان معنی است که ملزومات مورد نیاز صنعت نفت کشور یعنی سرمایه و فن آوری با چارچوب‌های سنتی و قراردادهای موجود قابل تأمین نیست و باید محدودیت‌های قانونی موجود را به‌طور مقتضی رفع کرد. با این محدودیت‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری در منابع سودآور غیرمتعارف در آمریکای شمالی، حتی در صورت رفع تحریم‌ها نیز نباید منتظر معجزه و هجوم شرکت‌های بزرگ غربی بود.

صنعت نفت ایران برای حفظ جایگاه سنتی خود در بازار نیازمند سرمایه‌گذاری به میزان بیش از یکصد میلیارد دلار طی دو سال آینده است. در حال حاضر عربستان سالانه ۴۰ میلیارد دلار در صنعت نفت خود سرمایه‌گذاری می‌کند. در عراق نیز به دلیل اینکه سرمایه‌گذاری‌ها به‌صورت جداگانه توسط شرکت‌های مختلف خارجی انجام می‌شود رقم دقیقی اعلام نشده اما سرمایه‌گذاری در صنعت نفت این کشور دست کم رقمی در حدود ۱۰-۸ میلیارد دلار در سال خواهد بود. نکته‌ی بعدی تریق گاز برای حفظ ظرفیت تولید نفت است. در منطقه‌ی خلیج فارس، مخازن نفتی ایران و امارات متحده‌ی عربی برای حفظ فشار مخزن و به تبع آن تولید نفت، نیازمند تریق گاز هستند. در مقابل مخازن عربستان، کویت و عمان نیازمند تریق آب هستند. در حال حاضر عربستان ظرفیت تریق آب معادل ۱۱ میلیون بشکه در روز ایجاد کرده است. هر چند در عمل حدود ۳ میلیون بشکه در روز تریق انجام می‌شود. برای حفظ ظرفیت و توان تولید نفت ایران نیز باید سرمایه‌گذاری‌های متناسب انجام گردد. شاید در حال حاضر یکی از گزینه‌ها ادامه‌ی مذاکرات با غرب جهت مستثنی کردن صادرات میعانات یا LPG از تحریم‌هاست تا بتوان از این محل، منابع جدیدی برای سرمایه‌گذاری ایجاد کرد. ■